

## نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی

با تکیه بر مفهوم سنت در تعریف معماری اسلامی

سید امیر منصوری<sup>۱\*</sup> محمود تیموری<sup>۲</sup>

۱. استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. پژوهشگر دکترای معماری دانشگاه سوربون، پاریس، فرانسه

### چکیده

هنر و معماری اسلامی گنجینه گران‌بهایی است که حاصل تجربه و تلاش جمعی هنرمندان مسلمان در طول تاریخ بوده است. این زنجیره در دوره معاصر در اثر تحولات فرهنگی گسسته شده است. یکی از طرق احیای هویت فرهنگی، کندوکاو در مبانی نظری و فلسفی هنر و معماری اسلامی و زدودن پیرایه‌ها و ناراستی‌هایی است که به آن نسبت داده می‌شود. این ضرورتی است که علی‌رغم گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، هنوز گام جدی در رسیدن به آن برداشته نشده و غالباً به طرح برداشته‌های سطحی، عامیانه و خود بنیاد از هنر و معماری اسلامی اکتفا شده است.

جریان فکری سنت‌گرایان معاصر (گنون، شووان، بورکهارت، نصر)<sup>۱</sup> در چهار دهه گذشته - بدون اینکه مورد نقد و بررسی جدی قرار گیرد - جریان غالب بر دانشکده‌ها و مراجع هنر و معماری کشور ما بوده و به علت فعالیت گسترده در حوزه تفسیر هنر و معماری اسلامی و ایرانی، سایر نظریه‌های ارائه شده در این زمینه را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده است.

سنت‌گرایان معاصر، در جستجوی اصول و مبانی هنر و معماری دینی و سنتی، با اصالت دادن به تاریخ معماری قبل از رنسانس در سرزمین‌های مختلف، با برخوردی رمانتیک و خود بنیاد با حذف منطق عقلی، به تفسیر ظاهری اشکال و فرم‌های معماری پرداخته و بدون توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری معماری، اصولی را به عنوان مبانی هنر و معماری دینی و قدسی معرفی می‌نمایند. در این فرآیند مقدس‌سازی اشکال و سمبل‌ها، از تشابهات لفظی و تفسیر سلیقه‌ای معماری و مشخصات ظاهری آیین‌ها و ادیان مختلف بهره برده و تأویل و تفسیرهایی از هنر مسیحی و هنر هندویی را در مبانی نظری معماری اسلامی وارد کرده‌اند.

بررسی آرای بنیان‌گذاران مکتب فکری که تحت عنوان سنت‌گرایان معاصر در ایران معرفی و شناخته شده‌اند، حاکی از عدم تطابق جریان تاریخی تولید و تحولات معماری ایرانی - اسلامی با اصول ارائه شده ایشان تحت عنوان اصول معماری اسلامی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است ضمن جمع‌بندی و ارائه سرفصل‌های اصلی نظرات این گروه از اندیشمندان درباره هنر و معماری اسلامی، باب نقد و بررسی منطقی بر این نظریات گشوده شود.

### واژگان کلیدی:

سنت، معماری سنتی، هنر مقدس، معماری اسلامی، معماری قدسی.

\*E-mail : Seyedamir.mansouri@gmail.com

«سنت با به خاطر آوردن این که ما کجا و در چه زمانی هستیم و این که این ما هستیم که باید تصمیم بگیریم و در ارتباط با گذشته زنده می ماند. اما سنت گرای مفرض می داند که هرگز نباید چیزی را ابتدا انجام داد؛ از این رو همه چیزهایی که برای حل هرگونه مشکلی مورد نیازند، باید به تأیید ظاهر یکپارچه این سنت یکنواخت برسند.»  
«یروسلاو پلیکن<sup>۱</sup>، تاریخ نگار مسیحیت در دانشگاه ییل»

## مقدمه

کنون، شووان و بوکهارت به عنوان سه نظریه پرداز اصلی سنت گرای - که مطالب زیادی از آن ها درباره هنر اسلامی و تفسیر و تأویل آن در کشور ما منتشر شده است - سیر فکری مشترکی داشته اند. تعلق ابتدایی هر سه در ابتدا به مسیحیت سنتی بوده است. سپس با عرفان های هندوی آشنا می شوند و بعد از آن از طریق عرفان اسلامی موجود در شمال آفریقا به اسلام گرویده اند.

این مسلک گاه با عنوان قائلان به «حکمت جاودان» نیز خوانده می شود اما به هر حال امروزه با واژه سنت گرای معروف شده اند. مهم ترین مبانی فکری و اعتقادات سنت - گرایان که به وسیله آن ها در فضای فرهنگی کشور ما شناخته می شوند را می توان سه اصل زیر دانست:

### الف: اعتقاد به سنت یا حکمت جاودان: سنت گرایان

یا پیروان حکمت جاودان طالب بازیابی سنت برای نجات انسان از شر مدرنیته غربی هستند و از نظر آنان سنت نه به معنای آداب و رسوم گذشتگان بلکه حقیقتی ازلی و فراگیر است که مافوق بشری و همه ابعاد زندگی انسانی از دین، تفکر تا صنایع، هنر و امور روزمره را در بر می گیرد. این سنت ساخته و تکامل یافته تجربه بشری نیست بلکه به قول نصر «سنت از منبعی می آید که هر چیزی از آن نشأت می گیرد و هر چیزی به آن باز می گردد. بنابراین سنت تمام چیزها را در بر می گیرد. حکمت ابدی که اندیشه «سنت» از آن جداناپذیر است و یکی از اصلی ترین بخش های مفهوم سنت را تشکیل می دهد چیزی جز همان سوفیا پرنیس<sup>۲</sup> در

سنت گرایان کیستند؟ سنت گرای چیست؟ این مسلک فکری به دست «رنه گنون»<sup>۳</sup> فرانسوی (۱۸۸۶-۱۹۵۱) که پس از مسلمان شدن، «عبدالواحد یحیی» نام گرفت آغاز شد. گنون بیشتر در زمینه های فلسفی و در رابطه با جریانات مختلف معنویت گرا در فرانسه مثل جریانات تنوسوفی یا فراماسونری مباحث خود را مطرح کرد و سپس با مساعی «آندا کوماراسوامی»<sup>۴</sup> هنرشناس، تاریخ نگار هنر هندی (۱۸۷۷-۱۹۴۷)، هویت و موجودیت مستقلی یافت. با مطالعات «فریتھیوف شووان» در زمینه دین شناسی، «تیتوس بورکهارت» در زمینه هنر مقدس و «مارتین لینگز»<sup>۵</sup> درباره قرائت های سنت های دینی در جهان مدرن، توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی بدل شد. در حال حاضر «سید حسین نصر»، شاخص ترین چهره این جریان است. وی در تبیین اصول سنت گرای متأثر از گنون و شووان است.

دو مرکز اولیه این دیدگاه در فرانسه به واسطه حضور «رنه گنون» در دهه های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ میلادی و در انگلستان در دهه ۱۹۲۰ به واسطه حضور کوماراسوامی بوده است. در دو دهه بعد از آن نفوذ کوماراسوامی و سپس فریتھیوف شووان - که پس از گنون و کوماراسوامی بزرگ ترین مفسر سنت قلمداد می شود- در آمریکا و کانادا باعث گسترش این جریان می شود. تیتوس بوکهارت در شمال آفریقا و سید حسین نصر در ایران در گسترش قلمرو جغرافیایی سنت گرای در کشورهای اسلامی نقش بسزایی داشته اند.

آخرالزمان»، مشکلات و تیره روزی‌های بشر در عالم جدید را ناشی از ضدیت و انحراف از سنت می‌داند. از نظر او این انحراف خود مراتبی دارد که از اصالت بشر و اصالت عقل آغاز شده و به اصالت مکانیک و اصالت ماده رسیده و سرانجام به سیطره کمیت منجر شده است.

**ج: اعتقاد به هنر قدسی:** سنت‌گرایان معتقدند سنت یا حکمت جاودان در قالب‌های هنری سمبلیک و رمزگونه ظاهر می‌شود. به این معنا که صورت‌های هنر سنتی نماد یک معنای والاتر و برتر هستند و کلید فهم معنای هنر سنتی توجه به ماهیت رمزگونه آن است. در واقع نزد ایشان هنر سنتی شیوه‌ای است که سنت از طریق آن سخن می‌گوید و وسیله‌ای است که با آن می‌توان از ظاهر به باطن رسید (کلدیور و کرمی ۱۳۸۴، ۲۱۷). به این جهت سنت-گرایان به نقش هنر سنتی در رهایی بشر از گرفتاری‌های عصر تجدد اعتقاد راسخ دارند.

صاحب‌نظران، سکوت اکثر متفکرین حمل بر حمایت از سنت‌گرایی شده است.

در حوزه مبانی نظری هنر و معماری اسلامی، جذبه آرای سنت‌گرایان در بازگشت به تاریخ هنر و معماری ایرانی و استفاده از ادبیات عرفان و تصوف، مانع و حجاب اصلی نقد و عیارسنجی آن‌ها بوده است. کتاب «حس وحدت» نوشته نادر اردلان (معمار سرشناس ایرانی قبل از انقلاب) و لاله بختیار (شاگرد دکتر نصر) - که با مقدمه سیدحسین نصر حدود چهار دهه پیش به زبان انگلیسی منتشر شد و در چند سال اخیر به فارسی برگردانده شد - به یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع تفسیر تاریخ معماری ایرانی و اسلامی تبدیل شده است. به جرأت می‌توان گفت در طی دهه اخیر پژوهش‌ها و مقالات و مطالب بسیاری به سبک این کتاب منتشر شده‌اند که جز توصیف انشاگونه و ادیبانه، با استفاده از تعبیرات شاعرانه و احساسی عرفان‌وار،

سنت غربی نیست که هندوها آن را «سنه تا نه دارمه»<sup>۷</sup> و مسلمان‌ها «الحکمة الخلد» (در فارسی خرد جاودیدان) می‌گویند» (نصر ۱۳۸۱، ۵۸).

**ب: مخالفت تام با مدرنیته و تمدن غربی:** به تعبیر سنت‌گرایان در دوران تجدد با فراموشی و غفلت از معنای سنت، بشر وارد عصر ظلمت شده است. سنت‌گرایی بنیان و مقدماتی را که مدرنیته بر روی آن بنا شده، توهم و سرابی بیش نمی‌داند. نقادی سنت از مدرنیسم، «ناظر بر «جهان‌بینی و بنیادهای آن است» زیرا هر خیری در دنیای جدید، تصادفی است و ناشی از ماهیت آن نیست، در حالی که به خلاف دنیای جدید که «ماهیت آن جز شر نیست»، در «عوالم سنتی هر خیری ذاتی و شر عرضی» بود. سنت‌گرایی در تعارض با اصول دنیای جدید قرار دارد و می‌خواهد دنیای جدید را نابود و دنیای به‌هنجاری ایجاد کند.» (همان، ۷۳-۷۴) رنه گنون در کتاب «سیره کمیت و علائم

## ضرورت نقد سنت‌گرایی در حوزه هنر و معماری

امروزه سنت‌گرایی در فضای فرهنگی و فکری خاستگاه خود یعنی اروپای غربی و آمریکای شمالی حضور کم‌رنگی دارد ولی در کشورهای مسلمان از جمله ایران، به عنوان یک نحله فکری و فرهنگی از رونق خوبی برخوردار است. این مکتب در میان طیف‌های فلسفی امروز ایران جریان غالبی نیست ولی در میان جریان‌های مربوط به مبانی نظری و فلسفه هنر و معماری اسلامی، به عنوان یک جریان فکری پررونق گسترش روز افزونی دارد. به طوری که می‌توان گفت سنت‌گرایی جریان غالب مجامع رسمی در زمینه هنر و معماری اسلامی است. در حوزه فلسفه و معرفت‌شناسی با وجود انتقادات جسته و گریخته ضمنی برخی

وجهی بر دانش نظری و تاریخی معماری ایرانی و اسلامی نیافزوده‌اند.

مفهومی که سنت‌گرایان از «سنت» مراد می‌کنند و تعریف و تفسیر خود از هنر و معماری اسلامی را بر اساس آن بنا می‌نهند، با مفهوم سنت در فرهنگ اسلامی مغایر است بنابراین نمی‌توان با اتکا به نظریات سنت‌گرایان مفاهیم اصولی برای هنر و معماری اسلامی امروز تعریف کرد.

کثرت‌گرایی مفرط در تعریف سنت نزد سنت‌گرایان و مشخص نبودن معیارهای منطقی لازم به رای تشخیص و ارزیابی آثار معماری باعث اختلاط معیارهای معماری اسلامی با معیارهای فرقه‌ها و ادیانی چون هندوئیسم و مسیحیت کلیسایی شده است و به این سبب مفاهیم و معیارهای اسلام ناب که به ویژه در فرهنگ صدر اسلام و سیره نبوی عرضه شده، پوشیده و مبهم باقی مانده است.

## ۱. مفهوم سنت در نزد سنت‌گرایان

سنت اساسی‌ترین واژه و مفهوم کلیدی و پایه در نظریات سنت‌گرایان است؛ مفهومی که این جریان با تعریف و بازشناسی و معرفی آن، به عنوان گم‌شده و گوهر نجات-بخش انسان معاصر به مقابله با مدرنیته و مدرنیسم می‌پردازند. برای معرفی مفهوم سنت در سنت‌گرایی، مطالبی به ترتیب از گنون، شووان و نصر ارائه می‌شوند.

رنه گنون معتقد است که «امر حقیقتاً سنتی در صورتی وجود دارد و می‌تواند وجود داشته باشد که عنصری فوق بشری را متضمن باشد» و تصریح دارد که تقلیل دادن سنت به «عرف و عادت» و یا «آداب و رسوم» (چنان که هم‌اکنون رواج دارد) ابتدالی بیش نیست. سنت دریافت‌های کور یا یک استمرار موقت نیست و نمی‌تواند عنصری مافوق بشری نباشد. اموری را که صرفاً بشری هستند را نمی‌توان سنتی شمرد (گنون ۱۳۶۱، ۲۴۴-۲۴۵).

به این ترتیب سنت در نزد گنون اولاً عادات و آداب و

رسوم بشری نیست و ثانیاً منشأ مافوق بشری و همیشگی و ازلی دارد. منبعی که از نظر او ادیان و تمدن‌های مختلف در آن اشتراک نظر دارند و از آن سرچشمه می‌گیرند. «گنون سنت را اصول یک طبیعت الهی و مقدس می‌داند که تمدن‌های بزرگ شرق و غرب، از آن جمله شرق دور، هندو، اسلامی و تمدن‌های مسیحی سنتی از آن سرچشمه گرفته است. او بر طبیعت کلی و فراگیر حقیقت سنتی که در قلب ادیان متعدد جهان قرار دارد تأکید می‌کند. او پیوسته به وحدت درونی حقیقت و صور سنتی اشاره می‌کند. در نزد گنون سنت به حقایقی اشاره دارد که ریشه در واقعیت غایی و عالم روحانی دارند و به مظاهر و تجلیات این حقایق که از طریق وحی در دسترس مردم قرار می‌گیرند؛ وحی‌ای که در قلب همه ادیان جای دارد. از نظر گنون سنت اصولاً دارای دو بعد است: یکی افقی و دیگری عمودی که ما برای آن دو، دو کلمه شریعت و راه باطن را به کار می‌بریم. شریعت، بیان خود را در الهیات می‌یابد و متافیزیک محض متعلق به راه باطن است» (بینای مطلق ۱۳۷۷، ۱۳).

سنت به این معنا سرچشمه و هسته دین است. «گنون سنت را تنها در دین خلاصه نمی‌کرد ولی معتقد بود که در هسته هر سنتی یک دین نهفته است. به همین دلیل از سنت‌های دینی سخن می‌راند. بنابراین سنت از نظر گنون حقایق سرمدی هستند که در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف بی‌تغییر و ثابت می‌مانند. از این‌رو از وجهی همیشگی، همه‌جایی و همه‌زمانی برخوردارند. سنت از آغاز تاریخ با اسطوره‌ها و آیین‌ها و نمادهای ابتدایی آغاز شده و آنگاه در ادیان تاریخی شکلی متکامل‌تر و منسجم‌تر یافته است» (ارشاد ۱۳۸۴، ۴۲).

فریتھیوف شووان هم با تأکید بر مافوق بشری بودن و ازلی بودن سنت و تفاوت آن با آداب و رسوم بشری آن را وجه مشترک تمام ادیان می‌داند. «فریتھیوف شووان در آثار خود سنت (tradition) را با T بزرگ می‌نویسد تا آن را از

که از طریق وحی حقایق و اصولی را اعلام کرده که تأثیر آن‌ها سنت را به وجود آورده اما معنای تام سنت شامل منبع و خاستگاه آن نیز می‌شود. به این معنی سنت مفهوم کلی‌تری است که دین را شامل می‌شود» (نصر ۱۳۸۱، ۶۳). از دید سنت‌گرایی هر جا یک سنت کامل وجود دارد، وجود چهار چیز را اقتضا می‌کند (خرد جاودان، ۱۳ و ۱۴):

۱. منبع الهام یا به معنای دقیق، یک وحی: منشأ سنت یک وحی یا یک الهام است و از طرف عالم بالا و ماوراء است.

۲. یک برکت است، یک برکت نامتناهی که از طریق وحی به تمام نوع بشر و عالم هستی افزوده می‌شود. این رحمت وجود یک امر مادی نیست بلکه عین وجود است. «این برکت به طور لاینقطع، از کانال‌های مختلف جریان می‌یابد».

۳. سومین شرط سنت، یک روش برای تحقق است که این روش اگر با صدق و صفا دنبال شود انسان را به موافقی هدایت می‌کند که آنجا می‌تواند حقایقی را که از طریق وحی نازل شده است در وجود خود فعلیت بخشد.

۴. تجسم سنت نه فقط در آرا و عقاید بلکه در تمام ابعاد وجودی انسان در هنر، در علوم و فنون و سایر عناصری که در مجموع، خصوصیت یک تمدن را می‌سازد. آن برکت الهی و مبادی وحی یک چیز انتزاعی نیست بلکه در تمام ابعاد زندگی انسان، از غذا خوردن، لباس پوشیدن، زندگی اجتماعی و فردی جریان دارد و همه را الهی می‌کند.

## ۲. نقد مفهوم سنت در نزد سنت‌گرایان

شاید در یک نگاه سطحی آن‌چه که سنت‌گرایان از سنت مراد می‌کنند با مفهوم سنت در فرهنگ اسلامی قرابت‌های زیادی دارد ولی با نگاه دقیق و موشکافانه زوایای انحرافی این دو برداشت مشخص می‌شود. اختلافی که در عرصه

سنت به معنای آداب و رسوم که رنگی از گذشته با خود دارند متمایز کند. سنت از نظر او حکمت و قانون ازلی و ابدی است که هم به لحاظ وجودی و هم به لحاظ تشریحی و هم به لحاظ حکمی زوال‌ناپذیر است. به این معنا اساسی‌ترین بعد ادیان که وجه «لدی الحقی» آنان است، ناظر به سنت است. این وجه همان است که حکما (و نه فلاسفه) و انبیا قصد القای آن را دارند» (خندق آبادی ۱۳۸۰، ۲۳).

از نظر او سنت هم‌زمان جنبه دیگری هم دارد و آن تجلی و تعین سنت در ابعاد مختلف زندگی و از جمله هنر است. «سنت، همه آن چیزی است که در آسمان ریشه دارد و در وحی به عام‌ترین معنایش است و همان منبعی که منشأ سنت است، هم‌زمان با ظهور آن در یک مقام مکانی - زمانی خاص بدان تعین می‌بخشد. سنت، نه تنها به این حقیقت منشأ ملکوتی بلکه به کاربست اصولی که ساحاتی به گوناگونی حقوق و هنر را در خود جای داده‌اند مانند اصول درون بینی و شیوه‌های پرورش یک باغ نیز اطلاق می‌شود» (راسخی ۱۳۷۷، ۴۳).

سید حسین نصر «سنت» را در معنای فنی و تخصصی این‌گونه تعریف می‌کند: «سنت به معنای حقایق یا اصولی است دارای منشأ الهی که از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان، اوتاره‌ها<sup>۹</sup>، لوگو<sup>۹</sup> یا دیگر عوامل انتقال، برای ابنای بشر و در واقع برای یک بخش کامل کیهانی آشکار شده و نقاب از چهره آن‌ها برگرفته شده است، این با پیامد و اطلاق و به کارگیری این اصول در حوزه‌های مختلف اعم از ساختار اجتماعی و حقوقی هنر، رمزگرایی و علوم همراه است و البته معرفت متعالی، همراه با وسایطی برای تحلیل آن معرفت را نیز شامل می‌شود» (نصر ۱۳۸۰، ۴۰).

او در مورد رابطه دین و سنت می‌نویسد: «می‌توان دین را سرچشمه و خاستگاه سنت و نیز مبدأ ملکوتی دانست

تعیین و عمل به تناقض هم تبدیل می‌شود.

اما قبل از آن لازم است به نقد رویکرد سنت‌گرایی اشاره‌ای مختصر شود. برخی منتقدان سنت‌گرایی را اساساً پدیده و رویکردی مدرن و اروپایی می‌دانند که تجویز آن را برای فرهنگ‌ها و جوامع شرقی نادرست می‌شمارند. از جمله دکتر «محمد لگنهاوزن»<sup>۱</sup>، سنت‌گرایی را واکنش اروپای مدرن به مدرنیسم می‌داند و ریشه تاریخی آن را در سنت‌گرایی کاتولیک این‌گونه معرفی می‌کند: «سنت‌گرایی واکنش خلاف عادت مدرن است در برابر مدرنیسم که ریشه‌های تاریخی آن در اروپای قرن ۱۹ به ویژه در فرانسه به چشم می‌خورد. در اروپا کاتولیک‌های مخالف با سکولاریسم و مدرنیسم از نوع سنت‌گرایی جانب‌داری کردند که بر پایه مرجعیت پاپ استوار بود.» (لگنهاوزن ۱۳۸۲، ۲۳۵)

«سید جواد طباطبایی» و «نصراله پورجوادی» سنت‌گرایی را پدیده‌ای غربی و خاص اروپای مدرن می‌دانند که به طور کامل از نظام سنت خارج شده است و تجویز آن برای جوامع شرقی را که هم ارتباطشان با سنت قطع نشده و هم سنت و تاریخ متفاوتی از سنت قرون وسطایی کلیسا دارند، نادرست می‌شمرند و سنت‌گرایی را غرب‌زدگی مضاعف می‌دانند (پورجوادی و طباطبایی ۱۳۹۰، ۱۸۲).

سنت‌مداری، در کشورهای غربی، واکنشی به مرحله‌های در تحول تاریخ غربی است. از این رو جای شگفتی نیست که سنت‌مداران ایرانی با تکرار مقلدانه سخنان سنت‌مداران در بررسی تاریخ اندیشه در ایران، به گونه‌ای که در نوشته نصر آمده است، خطاهای بزرگی مرتکب شده‌اند (طباطبایی ۱۳۸۶، ۳۵).

## ۱.۲. رابطه سنت و دین

اولین موضوع مهم و سؤال‌برانگیز مفهوم سنت در نظام فکری سنت‌گرایان، رابطه سنت و دین است. طبق تعاریف سنت‌گرایان، سنت یک پدیده کلی ازلی و ابدی با منشاء

مافوق بشری است که دین را در برمی‌گیرد و دین هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد و ادیان متفاوت نیز هر کدام شاخه و مصداقی از این «دین جاودان» هستند که در برهه‌ای از تاریخ عینیت و ظهور می‌یابند.

در این صورت این سوال مطرح می‌شود که اگر سنتی وجود دارد که دربرگیرنده تمام دین‌ها و لب‌الالباب تمام سنن مختلف و مذاهب متنوع گوناگون در طول تاریخ است چرا در منابع و کتب دینی اعم از آسمانی و غیر آسمانی این سنت جاودان معرفی نشده است؟ چرا ادیان مختلف هر یک دارای سنتی مخصوص به خود هستند که در بسیاری موارد سنت ادیان پیشین را باطل و نفی می‌نمایند؟

چرا به غیر از ادیان توحیدی یا ادیان ابراهیمی که دارای مفاهیم تقریباً مشترکی از خدا و انسان هستند، ادیان مختلف شرقی و غربی مثل هندوئیسم، بوداییسم، مهرپرستی و ادیان سرخ‌پوستی آفریقایی و آمریکایی حتی مفهوم اساسی مشترکی از «خدا»، «وحی» و «آخرت» ندارند؟ آیا صرف اشتراک ادیان در اعتقاد به امور ماورایی علی‌رغم وجود آداب و رسوم متناقض، تاریخ مند و متفاوت، می‌تواند دلیل وجود یک سنت کلی و جاودان باشد؟

## ۲.۲. تفاوت‌های «سنت» سنت‌گرایان با مفهوم سنت در فرهنگ اسلام

در قرآن کریم کلمه سنت هیچ‌گاه به تنهایی مورد استفاده قرار نگرفته است و همیشه کلمه سنت با ذکر منشأ و نوع آن (الهی، نبوی و انسانی) ذکر شده است. این خود نشانه‌ای از این معنی است که در منطق قرآن و معارف اسلامی مفهوم کلی و شناخته شده‌ای به نام سنت - آن‌طور که سنت‌گرایان مراد می‌کنند - وجود ندارد. به طور اجمال می‌توان گفت در معارف دینی اسلام و به ویژه در قرآن کریم، به وجود سه نوع سنت اشاره شده است: ۱- سنت‌های الهی ۲- سنت‌های نبوی ۳- سنت‌های انسانی

متفاوت از هم هستند؛ محصول انسان و زندگی جمعی او می‌باشند و به همین دلیل تاریخ‌مند و وابسته به زندگی انسان هستند.

در منطق قرآن، سنت‌های انسانی از دین - به عنوان یک پدیده الهی - متمایز بوده و با معیارهای الهی و دینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بعضی سنت‌ها که بر خلاف حقایق و مصالح و اهداف دین هستند باطل شمرده می‌شوند، برخی نیز با اصلاح جهت‌گیری و کاستن و پیراستن اضافات در ذیل سنت‌های دینی قرار می‌گیرند (مثل مراسم حج).

با مقایسه اجمالی بین مفهوم سنت در نزد سنت‌گرایان و مفاهیمی که در قرآن ذکر شده است می‌توان گفت:

۱. در منطق قرآن و معارف اسلامی، بین سنت‌های الهی، سنت نبوی و سنت‌های انسانی تفاوت اساسی وجود دارد.

۲. در هیچ آیه‌ای از قرآن یا احادیث دینی، سنت به مفهوم کلی که نزدیک و شبیه به مفهوم دین آن‌طور که منظور نظر سنت‌گرایان است به کار برده نشده است یعنی قرآن بین سنت‌های انسانی با دین تفاوت و مرزبندی مشخص قائل شده است.

۳. ارزش مفاهیم سه‌گانه سنت (الهی، نبوی، انسانی) در قرآن و معارف اسلامی نسبت به دین با هم متفاوت است و به همین دلیل نحوه مطرح شدن آن‌ها نیز فرق می‌کند مثلاً سنت‌های نبوی جزئی از منابع اجتهادی و فقهی هستند ولی سنت‌های انسانی و عرفی با معیارها و ارزش‌های دینی نقد و سنجش می‌شوند و اگر مطابق معیارهای اسلامی نباشند باطل و نفی می‌گردند.

۴. تعریفی که از سنت توسط سنت‌گرایان ارائه می‌شود، با هیچ یک از مفاهیم سه‌گانه سنت در فرهنگ اسلامی انطباق ندارد، ضمن اینکه از هر سه نوع سنت ذکر شده در قرآن یک ویژگی را در بر

۱. سنت‌های الهی در منطق آیات قرآن، قوانین نظام-دهنده و اداره‌کننده جهان هستی و جوامع بشری هستند. این قوانین «کلی» بدون تغییر و بدون تبدیل، ازلی و ابدی هستند و شامل گذشت زمان و تفاوت جوامع نمی‌شوند منشاء الهی داشته، فوق بشری بوده و به همین دلیل مقیاس و مصداق انسانی ندارند. مثل سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش.

۲. مراد از سنت در فقه و اجتهاد اسلامی سنت پیامبر است. «بیشتر کردار پیامبر اسلام (ص) از این کلمه مقصود است و در نظر علمای حدیث و اصول، معنی آن کردار، گفتار و تقریر معصوم است که مفید حکم شرعی است. بنابراین، در شرع اسلام، سنت عبارت است از امر و نهی رسول خدا (ص) و یا اقدام و عمل آن حضرت از راه گفتار و رفتار در مواردی که قرآن کریم به آن صراحتی نداشته باشد» (نقیبی ۱۳۸۶، ۱۰).

ویژگی بارز سنت نبوی در درجه اول، پویا بودن آن‌ها به خاطر تفسیر پذیری، عقلانیت، توجه به شرایط متغیر اجتماعی - فرهنگی و مقتضیات زمان است. یعنی سنت نبوی دارای قوانین کاملاً ثابت و ایستا، متنوع از زمینه تاریخی - فرهنگی و بی‌توجه به انسان نیست. در درجه بعد ناظر بودن آن‌ها به هدایت و اصلاح انسان و جوامع انسانی است. به عنوان مثال پیامبر اکرم (ص)، در حدیث معروف «**اِنِّی بَعَثْتُ لَاتَمِّمَ مَکَارِمَ الْاِخْلَاقِ**» هدف اصلی رسالت خود را به نهایت رساندن کرامت‌های اخلاقی بشر معرفی می‌کند.

۳. نوع سوم سنت که در قرآن ذکر شده سنت‌های انسانی است. این سنت‌ها همان رسم و رسوم، آیین‌ها، اعتقادات، اعمال و شیوه‌های زندگی جمعی و فردی مربوط به جوامع مختلف است که در طول تاریخ و نسل به نسل تداوم یافته و شکل گرفته است. این سنت‌ها، متکثر و متنوع بوده و بسته به شرایط فرهنگی - جغرافیایی و تاریخی

می‌گیرد. این سنت مثل سنت‌های الهی غیر قابل تبدیل، ازلی و ابدی است. همانند سنت نبوی از وحی سرچشمه می‌گیرد و هم چون سنت‌های انسانی در همه موارد انسانی از قبیل هنر، عرفان، فلسفه، صنایع، شیوه‌های باغ‌سازی و آشپزی و... دارای روش‌های مشخص و تعریف شده است.

نقد مقایسه‌ای مفهوم سنت نزد سنت‌گرایان با مفهوم سنت در فرهنگ اسلامی، از آن جهت لازم است که سنت‌گرایان تعریف و تفسیر هنر و معماری اسلامی را بر اساس این مفهوم قرار می‌دهند. با روشن شدن این عدم تطابق، نقد و شناسایی نکات منفی نظرات ایشان درباره هنر و معماری اسلامی سهولت می‌یابد.

### ۳. تعریف و ویژگی‌های هنر و معماری اسلامی از دیدگاه سنت‌گرایان معاصر

تعریف هنر و معماری دینی و اسلامی و معرفی اصولی برای احیای آن موضوعی بوده است که سنت‌گرایان در رسیدن و پرداختن به آن مطالب زیادی را نوشته و منتشر ساخته‌اند. در نگاه آنان هنر و معماری جایگاه مهمی در ایجاد تمدن و فرهنگ سنتی داشته و ارزش آن هم قدر حکمت و جهان‌بینی سنتی در تشکیل فرهنگ و تمدن است. در تعریف هنر دینی و به تبع آن هنر اسلامی، سنت‌گرایان در درجه اول بر اهمیت سنتی بودن سبک و فرم تأکید دارند: «هنر اساساً صورت است. برای آن‌که بتوان هنری را مقدس نامید، کافی نیست که موضوع هنر از حقیقتی روحانی نشأت گرفته باشد بلکه زبان صوری آن هنر نیز بر وجود همان منبع گواهی دهد. تنها هنری که قالب و صورتش نیز بینش روحانی خاص مذهب مشخصی را منعکس سازد شایسته چنین صفتی است... هیچ اثر مقدسی نیست که صورتی غیردینی داشته باشد. بینش روحانی

ضرورتاً به زبان صوری خاص بیان می‌شود. هر هنر مقدس مبتنی است بر دانش و شناخت صورت‌ها، یا به بیانی دیگر بر آیین رمزی که ملازم و دربایست صورت‌هاست... بی-گمان روحانیت و معنویت فی ذاته مستقل از صورت است اما این ابداً بدین معنی نیست که می‌تواند به هر شکل و صورتی بیان و ابلاغ شود... این سنت است که با نقل و انتقال الگوهای مقدس، اعتبار روحانی صورت‌ها را تضمین می‌کند» (بوکهارت ۱۳۶۹، ۷-۹).

«معیارهای شناخت ارزش یک اثر هنر مقدس، محتوای آن اثر، شیوه بیان، تکنیک و سبک آن است. این معیارها نسبت به همه انواع هنر یکسان‌اند» (شووان ۱۳۷۲، ۹۶).

سیدحسین نصر بین هنر دینی و هنر سنتی تفاوت قائل است تفاوتی که نه در موضوع بلکه در فرم و سبک آن وجود دارد: «هنر دینی به خاطر موضوع یا کارکرد مربوط به آن است که «دینی» محسوب می‌شود نه به خاطر سبک، نحوه آفرینش، نمادگرایی و منشاء غیر فردی آن. هنر سنتی، سنتی است نه به خاطر موضوع و محتوای آن بلکه به خاطر انطباق و هم‌خوانی آن با قوانین کیهانی صور و با قوانین نمادگرایی و با ماهیت صوری جهان روحانی ویژه‌ای که در آن به وجود آمده است (نصر ۱۳۸۱، ۲۱۰).

شاخص اصلی تعریف هنر سنتی و هنر مقدس (هنر دینی زیر مجموعه هنر سنتی) سبک و فرم هماهنگ با سنت (به معنای مورد نظر ایشان) و قوانین و حقایق صوری آن است.

«صور ازلی هنر مقدس، الهامات آسمانی هستند؛ تمام آثار هنری دیگر منبع الهام خود را از شخصیت معنوی هنرمند می‌گیرند... هنر دینی اکثراً هدف زیبایی ظاهری را نادیده می‌گیرد و زیبایی آن بیش از هر چیز از حقیقت معنوی و بنابراین از دقیق بودن جنبه رمزی و تمثیلی آن و نیز از فایده آن برای اعمال آیینی و مشاهده عرفانی سرچشمه می‌گیرد و عوامل شخصی سنجش‌ناپذیر ذوق



خواهد شد.

آنچه مقدس است متعلق به قلمرو ثابت و لایتغیر است و نه تغییر و دگرگونی (شووان ۱۳۷۲، ۱۲۴).

سنت‌گرایان با ارائه تعاریف فوق از هنر مقدس و بر مبنای تعریف خاص خود از سنت، معماری اسلامی را تفسیر و تأویل می‌کنند. در ادامه نمونه‌هایی از نظرات شووان، یوکهارت و نصر در مورد معماری اسلامی نقل می‌گردد:

«هنر اسلامی از صورت ظاهری کتاب آسمانی سرچشمه می‌گیرد یعنی از حروف مشبک آیات قرآنی و نیز از تحریم کردن تصاویر. معماری اسلامی در عین حال، گرایش به سادگی و تزیین دارد. در اسلام عشق به زیبایی، گرایش به سادگی زاهدانه را جبران می‌کند تا حدی آن را با فیضان طرح‌های مشبک و انتزاعی و پرازش ملبس می‌سازد» (همان، ۱۱۱).

«به طور کلی اسلام با «جمود» شهرنشینی و بورژوازی به سختی سازش می‌یابد و یکی از علل انحطاط ممالک اسلامی در عصر جدید حذف تدریجی عنصر چادرنشینی و کوچ‌روی است. نشانه‌های ذهنیات چادرنشینی حتی در معماری نیز که به فرهنگ یک‌جاننشینی متعلق و مربوط است به چشم می‌خورد. خاطره‌هایی از «اثاثیه» چادرنشینی که مشتمل بر قالی و چادر بود در «مقرنس‌های» گچ اندود که از سطوح درونی تاق‌ها و قوس‌ها آمیخته‌اند و در شبکه‌هایی اسلیمی که دیوارها را مفروش می‌کنند باقی مانده است. نخستین مسجد قریب به محیط چادرنشینی است. مرقد قبه‌دار با قاعده مربع شکلش به علت ایجاز و در هم فشردگی شکل، با روحیه چادرنشینی مطابقت دارد» (همان، ۱۳۵).

ذوق وزن و ایقاع که نزد اقوام چادرنشینی مادر آورد است و نیز قریحه هندسی پس از انتقال به نظام روحانیت دو قطبی هستند که به هر گونه هنر اسلامی تعین می‌بخشد. روح اسلام با جریان گسترده اشکال و صور کهن‌وش (هنر

شخصی فقط یک عنصر فرعی است» (شووان ۱۳۷۲، ۹۷).

«هنر سنتی به حقایقی مربوط است که در سنت آمده‌اند و یک بیان صوری و هنری از آن‌ها ارائه کرده است. این هنر بایستی با نمادهایی که در شیء مربوطه به ودیعه نهاده شده و نیز با نمادهایی که مستقیماً به وحی مربوط هستند، انطباق و هم‌خوانی داشته باشد. چنین هنری از ماهیت جوهری اشیاء آگاه است اما به جوانب عرضی نشان کاری ندارد» (نصر ۱۳۷۲، ۲۱۱).

این مطلب را هم باید اضافه کرد که ویژگی ضمنی هنر و معماری اسلامی در نگاه سنت‌گرایان عدم تأثیرپذیری آن از شرایط فرهنگی - اجتماعی (مقتضیات زمان) و نفی سلیقه‌ها و خلاقیت‌های فردی و جمعی است.

«دیدگاهی که منشأ هنر اسلامی را در شرایط اجتماعی - سیاسی ناشی از ظهور اسلام جستجو می‌کند از منظر متافیزیک و الهیات اسلامی که خداوند را منشاء تمام فرم‌ها می‌داند می‌توان به سادگی رد کرد چرا که اوست که به هر چیز عالم است و بنابراین ذوات و صور همه اشیاء، حقیقت خود را مدیون «خرد الهی» اند. صرف‌نظر از هر گونه پیوند میان هنر و الهام اسلامی، منشاء صدور این آثار نمی‌تواند تحولات سیاسی - اجتماعی ناشی از ظهور اسلام باشد» (نصر ۱۳۷۵، ۱۱).

«هنر اسلامی هنری است که به امور و مسائل روان‌شناختی دلبستگی ندارد و فقط عناصری را حفظ می‌کند که جاودانه معتبرند... هنر اسلامی بالذات ابژکتیو<sup>۱۱</sup> (غیرشخصی) است، جستجو برای دستیابی به کامل‌ترین شکل یک گنبد و... هیچ ارتباطی به خلق و خوی شخصی هنرمند ندارد.» (یوکهارت ۱۳۷۲، ۲۲)

در مورد هنر دینی بدون استثنا باید به نمونه‌ها و نحوه‌های عمل سنتی متوسل شد زیرا اگر در بشر جدید خلاقیتی وجود داشته باشد که فرد انسانی استحقاق آن را دارد این خلاقیت حتماً در دامن اصول سنتی جلوه‌گر

چادرنشین‌های آسیا) هم‌دمی و قرابت معنوی بس مستقیم‌تری دارد (بورکهارت ۱۳۶۹، ۱۳۷).  
«خانه اسلامی قلمرو حکمروایی زن است که مرد در آن

قلمرو میهمانی بیش نیست. وانگهی شکل مربعش با قانون نکاح در اسلام که به مرد اجازه می‌دهد تا چهار زن به عقد ازدواج خود درآورد مطابقت دارد. خانه اسلامی به روی دنیای خارج کاملاً بسته است و بدین‌گونه زندگانی خانوادگی از حیات مشترک اجتماعی جدا و سوا گشته است و فقط بالای آن به سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق در پایین در چشمه آب حیاط انعکاس می‌یابد... محراب در وهله اول نقش صورت‌گیری دارد یعنی کلماتی را که به سوی آن بیان می‌شود، منعکس می‌سازد و در عین- حال خاطره‌ای از جایگاه هم‌خوانان در کلیسا یا فی رجه پشت محراب کلیساست. در واقع محراب به علت انعکاس کلام خداوند در نماز، رمز حضور پروردگار محسوب می‌شود» (بورکهارت ۱۳۶۵، ۱۴۸).

«تا آنجا که به کف زمین و تجربه فضا به واسطه آن مربوط می‌شود پیامبر با ساییدن پیشانی خود بر زمین، اهمیت خاصی به زمین کف خانه‌اش و از طریق آن به اولین مسجد و از طریق مسجد به معماری اسلامی بخشید ... در شهر اسلامی، خانه تداوم و گسترش مسجد است، کف خانه سنتی، تداوم کف مسجد است زیرا کف مسجد نیز به نوبه خود و بر اساس نمونه اعلائی مسجد مدینه، تداوم کف خانه پیامبر است که در آنجا پیشانی پیامبر به زمین ساییده شد. این نحوه تماس با زمین نشانه بازگشت به حالت طهارت نخستین خود (فطرت) بود. ریشه معماری قدسی اسلام را باید در این تطهیر و تقدیس دوباره طبیعت در نسبت با انسان و در مقام و جوی ازلی یافت. و نیز ریشه معماری اسلامی را می‌توان در روابط بعدی میان معماری و عالم هستی، از دیدگاه اسلام با قوانین و اصولش در زمینه کیهان‌شناسی (که با عظمت خاصی در قرآن توسط حکمای

اسلامی تشریح شده) نیز پیدا کرد» (نصر ۱۳۷۵، ۴۴).

#### ۴. نقد تعریف هنر و معماری اسلامی سنت- گرایان

##### ۴.۱. سبک و فرم به جای اصول اسلامی

اولین موضوع قابل بیان در نقد تعریف سنت‌گرایان از هنر مقدس و معماری قدسی این است که مشخصه اصلی یک هنر مقدس، قدسی بودن و دینی بودن سبک، شیوه بیان، تکنیک و صورت‌های آن هنر یا معماری است یعنی معماری یا هنری قدسی و مقدس است که فرم‌ها و مشخصات ظاهری و بیان هنری آن دینی باشد.

اما آنچه در مطالب و نظرات سنت‌گرایان به آن پرداخته نشده این است که چگونه دینی بودن و قدسی بودن یک فرم، سبک یا شیوه معماری تعیین می‌شود و معیار تشخیص دینی یا مقدس بودن فرم و سبک معماری از سبک‌های غیر دینی و نامقدس چیست؟

به عنوان مثال در دین اسلام که هیچ‌گونه حدیث، آیه یا دستورالعملی برای تعیین مشخصات فرم و سبک‌های هنر و معماری بیان نشده چگونه یک فرم و معماری اسلامی از معماری غیراسلامی شناخته می‌گردد؟ اصولاً در دین‌هایی مانند اسلام که ناظر به خود انسان هستند نه مصنوعات و تولیدات انسانی، چگونه معیارهای دینی بودن یک سبک و شیوه معماری تعریف می‌گردد؟

##### ۴.۲. نفی شرایط اجتماعی و فرهنگی

نکته دوم این است که وقتی شرط دینی بودن هنر و معماری، سبک و فرم آن قرار داده شد، خود به خود در ادامه منطقی این شرط، هنر قدسی و مشخصات آن به سمت و سوی فرمالیسم و شکل‌گرایی سوق داده می‌شود و صرفاً مشخصات تکنیکی و فرمال در معماری برای تمیز و تعیین

است. در این فرآیند، تاریخ مقدس انگاشته می‌شود و ملاک سنجش دینی بودن آثار معماری این‌گونه است که ابداع و خلاقیت هنری نزد آنان مطرود و تقلید کامل از فرم‌ها و سبک‌های تاریخی ضروری می‌شود.

در تعبیر سنت‌گرایان، تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در سراسر جغرافیای زمین تا قبل از دوره رنسانس و ظهور مدرنیته دارای صفت «سنتی» هستند و در مقابل آنچه که متعلق به بعد از رنسانس و مدرنیته می‌باشد، غیرسنتی است یعنی تنها ملاک سنتی بودن، تعلق به گذشته و تاریخ قبل از رنسانس است.

به تعبیر دکتر لگنهاوزن سنت‌گرایان به جای معیارهایی که ذاتی و درونی خود سنت‌هاست، از خود سنت (به ما هو سنت) به عنوان معیار ارزیابی خود جانب‌داری می‌کنند. این نقد را می‌توان نقدی منطقی دانست که وجود تناقض در درون دیدگاه سنت‌گرایان را نشان می‌دهد و نیز می‌توان آن را نقدی کلامی دانست به این معنا که سنت‌گرایی، سنت را به گونه‌ای تعالی بخشیده و می‌ستاید که مورد تأیید تعالیم اسلامی نیست. سنت‌گرایان، به جای اصول و تعالیم اسلام، از سنت به عنوان معیار ارزیابی‌های خود سود می‌جویند (لگنهاوزن ۱۳۸۲، ۲۳۵).

این تقدس‌بخشی به تاریخ هنر و معماری، معلول منحصر داشتن تعریف هنر و هنر دینی در ویژگی‌های سبکی و فرمال هنری نیز هست. زیرا به علت نبود معیار مشخص اسلامی که بتوان مقدس بودن یا دینی بودن سبک یا فرم معماری را مشخص نمود، سنت‌گرایان به قول بوکهارت در کتاب هنر مقدس، با استفاده از نوعی استقرار، سبک‌ها، اشکال و تکنیک‌های هنری و معمارانه‌ای که در طول سال‌ها و قرن‌های متمادی توسط هنرمندان و معماران در خلق و آفرینش آثار و ابنیه معماری مرتبط با دین به کار گرفته شده‌اند، به علت تکرار و تداوم استفاده از آن‌ها، به عنوان سبک‌ها و فرم‌های هنر یا معماری دینی قلمداد

معماری دینی از معماری غیر دینی ملاک قرار می‌گیرد. بدین ترتیب معیارهای اساسی دیگری که در شکل‌گیری معماری دینی اثرگذار هستند و حتی مشخصات اجتماعی - فرهنگی که دینی مثل اسلام برای هنر معماری به طور مستقیم یا غیرمستقیم بیان کرده مانند رعایت اخلاق دینی یا شریعت اسلامی در ساخت بناها و محله‌ها و شهرها یا تقویت روابط اجتماعی و همبستگی جمعی که از نقاط مورد تاکید اسلام در بیان احکام و شریعت بوده است و در ساخت معماری دینی و مساجد صدر اسلام رعایت می‌شده و شیوه عملی پیامبر اسلام نیز بر آن‌ها تأکید کرده است، نادیده گرفته می‌شوند و معیارهای شکلی و صوری اساس تشخیص و تمیز معماری اسلامی می‌شود.

در واقع سنت‌گرایان با منحصر کردن تعریف هنر و معماری به «صورت و سبک» و سپس اصرار بر تعریف هنر دینی و قدسی به استفاده از فرم و سبک‌های دینی، نسبت به سایر جنبه‌های انسانی - فرهنگی و غیر فرمال که در هنر و معماری تأثیرگذار هستند، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی کرده‌اند و جنبه‌های مهم و تعیین‌کننده هنر مثل «هدف و غرض هنرمند» از خلق اثر هنری یا معماری، توجه به زمینه‌های مختلفی که اثر معماری در آن شکل می‌گیرد مثل جغرافیا، اقلیم، کارکرد معماری، وضعیت اقتصادی و سیاسی - اجتماعی و یا سلاقی و ذوق جمعی و فردی مخاطبان آن که بدون شک در دینی بودن یا هم‌جهت بودن معماری با دین موثر است، در تعریف سنت‌گرایان از هنر دینی معقول مانده‌اند.

#### ۳.۴. مقدس‌سازی تاریخ معماری

سنت‌گرایان در ابتدا شرط اثر سنتی یا مقدس را آسمانی بودن و مافوق بشری بودن قلمداد می‌کنند ولی به دلیل غیر قابل سنجش بودن این معیار، عملاً تاریخ هنر و معماری را معیار قرار می‌دهند زیرا سنت در گذشته تعیین پیدا کرده

می‌شوند. بدین ترتیب ضمن اینکه فرم‌ها و سبک‌های تاریخی، اصیل و ذاتاً دینی و مقدس انگاشته می‌شوند، هر هنر و معماری جدید دینی نیز باید از آن‌ها تقلید کند و تکرار اصول فرمی و سبکی گذشتگان را انجام دهد و هرگونه ابداع و نوآوری هنری و معمارانه‌ای که در چارچوب اصول سبک‌شناسی، زیبایی‌شناسی و فرمال معماری تاریخی نباشد نمی‌تواند در زمره معماری دینی و مقدس به حساب آید.

بدین صورت مصالح جدید و تکنیک‌های نوین معماری که می‌تواند در ایجاد معماری دینی و جواب‌گویی به نیازهای مختلف و احتیاجات تازه و جدید انسانی مورد استفاده قرار گیرند، یکسره کنار گذاشته می‌شوند.

موضوع دیگر قابل ذکر این است که اصالت تاریخ و سبک‌ها و اشکال تاریخی هنر و معماری، معیار جامع و روشنی جهت تعیین معماری دینی نیست زیرا سبک‌ها و

فرم‌های مختلفی در طول تاریخ به عنوان معماری دینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند مثلاً مساجد صدر اسلام ساده، بدون تزئین و فاقد گنبد و مناره و ... بوده‌اند ولی مساجد قرن دهم هجری (دوره صفویه) تزئینات رنگارنگ، گنبدها و مناره‌های متعدد و فضاهای مختلف داشته‌اند. گاهی این مشخصات فرمال معماری دینی در طول تاریخ همان‌طور که در مثال ذکر شد متناقض و منافی یکدیگرند. اگر چه همه در ذیل معماری دینی و هنری که توسط مسلمانان ساخته شده شناخته می‌شوند، لذا می‌توان گفت که برای تشخیص معماری و هنر اصیل دینی به معیارهایی که از بطن دین و نه از تاریخ و شکل‌گیری و بسط تاریخی دین برآمده باشد نیاز است. استفاده از معیارهای تاریخی به‌جای معیارهای اصیل اسلامی و نادیده گرفتن قوه ابداع و پویایی اندیشه و سنت عقلانی اسلامی از جمله دلایل به خطا رفتن آن‌ها در تفسیر و تعریف هنر اسلامی است.

## نتیجه‌گیری

به لحاظ جریان‌شناسی فرهنگی، «سنت‌گرایی» در اروپای مدرن قرن بیستم و در واکنش به زیاده‌روی پیروان مدرنیسم در حذف بی‌قید و شرط سنت‌های تاریخی و مذهبی شکل گرفته است. سنت‌گرایی پیش از آن که در زمینه فرهنگ اسلامی رشد و توسعه پیدا کند، ابتدا در دامن سنت‌گرایی کاتولیک زاده می‌شود و سپس با اندیشه‌های ادیان غیر توحیدی شرقی همچون هندوئیسم، کامل می‌شود. از این حیث واجد ویژگی‌های بنیادین متناقض با فرهنگ اسلامی است که نمی‌توان آن را نظریه‌ای مناسب برای تعریف هنر و معماری اسلامی در کشوری با غنای فرهنگی مثل ایران دانست. سنت آن‌طور که سنت‌گرایان معنا می‌کنند با سنت آن‌چنان که در فرهنگ اسلامی فهمیده می‌شود، تفاوت‌های

اساسی دارد. سنت سنت‌گرایان از دین وسیع‌تر است و حتی خود جای دین می‌نشیند به طوری که مدعی است همه ابعاد مادی و معنوی زندگی بشری از جمله معماری را مشخص می‌کند. این سنت در بین تمامی ادیان مشترک است و قالبی صلب و غیر قابل تغییر دارد. ولی سنت در فرهنگ اسلام، نسبت به متعلق آن شناسایی و با معیارهای جاودان قرآنی ارزیابی می‌شود. مهم‌ترین مفهوم اسلامی سنت، سنت پیامبر اسلام (ص) و به معنای قول، فعل و تقریر ایشان است که در کنار کتاب (قرآن)، عقل و اجماع، یکی از منابع چهارگانه فقه و اجتهاد اسلامی شمرده می‌شود. این سنت بر خلاف سنت سنت‌گرایان، پویا و قابل تغییر و تفسیر نسبت به مقتضیات زمانی و مکانی است.

هم‌چون مدرنیسم پاسخی مناسب و راه‌کاری قابل استفاده برای شرایط امروز معماری ایرانی - اسلامی نیست و آثار نامطلوبی هم‌چون مدرنیسم بر آن مترتب است. اصالت دادن به تاریخ هنر و معماری، و نفی مقتضیات زمان اعم از شرایط اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی سیاسی، در مبانی نظری معماری اسلامی به علاوه نادیده گرفتن قوه ابداع و خلاقیت هنرمندان و معماران در نظریات سنت‌گرایان معاصر، مانع از شکل‌گیری و کشف رهیافت‌های مطلوب و پاسخگو در شرایط امروز معماری ما می‌شود.

مهم‌ترین معیار ارزیابی سنت‌گرایان در برخورد با هنر و معماری، سنتی‌بودن است. در صورتی که منطق قرآن و فرهنگ اسلامی لزوم ارزیابی و ارائه راه‌حل را با استفاده از معیارهای توحیدی، اخلاقی و اجتماعی بیان شده در قرآن ضروری می‌داند و صرف تعلق و هماهنگی با سنت‌های تاریخی را مورد قبول قرار نمی‌دهد. تعریف فرمال از معماری دینی و اسلامی و ضرورت استفاده و تکرار و تقلید از مصالح، اشکال، جزئیات و الگوهای تاریخ معماری که سنت‌گرایان مطرح می‌کنند، واکنشی افراطی در برابر افراط مدرنیسم در حذف کامل تاریخ از هنر و معماری است. از این حیث سنت‌گرایی نیز

## پی‌نوشت‌ها

1. Guénon .Schuon .Burckhardt .Nasr
2. Jaroslav Pelikan
3. René Guénon
4. Ananda Coomaraswamy
5. Martin Lings
6. Sophia perennis
7. Sanatana dharmā
8. Avatars
9. Logos
10. Legenhausen
11. Objective



## فهرست منابع

- اردلان، نادر و لاله بختیار. ۱۳۷۹. حس وحدت. ترجمه حمید شاه‌رخ اصفهان: نشر خاک.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_. ۱۳۶۹. هنر مقدس. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- بینای مطلق، محمود. ۱۳۷۷. رنه گنون و معنای واقعی سنت. فصلنامه نقد و نظر (۱۵).
- پورجوادی، نصراله و سید جواد طباطبایی. ۱۳۹۰. سنت‌گرایی غرب‌زدگی مضاعف. ماهنامه مهرنامه (۱۰).

- خندق آبادی، حسین. ۱۳۸۰. حکمت جاویدان، نگاهی به زندگی و آثار سنت گرایان معاصر. تهران: انتشارات موسسه توسعه دانش و پژوهش و ایران.
- راسخی، فروزان. ۱۳۷۷. سرباز حکمت خالده نیم نگاهی به زندگی شوان. ماهنامه نقد و نظر (۱۵).
- رحمتی، انشاء الله. ۱۳۸۳. هنر و معنویت. مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر؛ ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: فرهنگستان هنر.
- شووان، فریتهوف. ۱۳۷۲. اصول و معیارهای هنر جهانی. در کتاب مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- طباطبایی، سید جواد. ۱۳۸۶. مکتب تبریز و مبانی تجدیدخواهی. جلد دوم از مجموعه تأملی درباره ایران. تبریز: نشر ستوده.
- کدیور، محسن و طیبه کرمی. ۱۳۸۴. معانی سنت از دیدگاه سنت گرایان. دو فصلنامه مقالات و بررسی‌ها (۷۷).
- گنون، رنه. ۱۳۶۱. سیطره کمیت و علائم آخرالزمان. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نصر، حسین. ۱۳۸۱. معرفت و امر قدسی. ترجمه فرزاد حاجی میرزایی. تهران: نشر پژوهش فرزاد روز.
- \_\_\_\_\_. ۱۳۸۰. معرفت و معنویت، ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- \_\_\_\_\_. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- تقیبی، فاطمه. ۱۳۸۰. تفسیر به رأی و مسائل پیرامون آن. دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) ۶ (۲۳).



---

## Criticism on the Opinions of Contemporary Traditionalist in Islamic Art and Architecture

Based upon the concept of the tradition in Definition of Islamic architecture

---

**Seyed Amir Mansouri<sup>1</sup>, Mahmoud Teimouri<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Assistant Professor, Faculty of Architecture, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Ph. D. Candidate in Architecture, Sorbonne University, Paris, France.

Islamic art and architecture are precious treasures resulted from corporate efforts and experiences of Muslim artists throughout history. This chain has been detached due to cultural development in the contemporary era. Exploring in theoretical and philosophical foundations of Islamic art and architecture is one way to revive cultural identity and eliminate its attributed untruth. It is an imperative that has not been considered the priority yet in spite of an over three decades of Islamic revolution which have frequently led to superficial, commonplace and arbitrary impressions of Islamic art and architecture.

The intellectual flows of contemporary traditionalists (Guenon, Schuon, Burkhart, Nasr) in the past four decades has been the mainstream of our colleges and art and architecture centers - without any profound review and discussion- which have directly affected other theories of this field as a result of excessive efforts in interpretation of Islam and Iranian art and architecture.

The contemporary traditionalists in seeking religious and traditional principles of art and architecture by authenticating the architectural history of before Renaissance in different lands, interpret architectural shapes and forms physically regardless of social and historic conditions of

architectural formation and and introduce principles of religion and sacred art and architecture with a romantic approach and spontaneous elimination of rational logic.

They have benefited from shapes and symbols, verbal similarities and arbitrary interpretation of architecture and external appearance of various religions and rites in this process of making art and architecture sacred and have entered Christian art and Hindu art interpretations in the theoretical basis of Islamic architecture.

Scrutinizing the opinions of the founders of this intellectual flow known and introduced as contemporary traditionalists reveals the mismatch between historic production and development of Islamic-Iranian architecture and their presented principles of Islamic architecture. This paper tried to summarize and outline the main points of this group of scholars about Islamic art and architecture in order to offer a logical criticism and scrutinization of these theories.

### Keywords:

Tradition, Traditional Architecture, Islamic Architecture, Sacred Architecture